گزارش

اعتراض سازمان تأمین اجتماعی به حکم مرتضوی

● وکیل‌مدافع سازمان تأمین اجتماعی از اعتراض این سازمان به حکم صادره در پرونده سعید مرتضوی خبر داد. پرونده سعید مرتضوی در ماجرای تأمین اجتماعی در دو بخش به حکم رسیده، ولی با اعتراض شاکی و متشاکی روبه‌رو شده است. حکم بخش اول دو سال قبل صادر شد، اما سازمان تأمین اجتماعی و مرتضوی، هر دو اعتراض کردند و پرونده به شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر رفت و هنوز در حال بررسی است. حکم بخش دوم پرونده هم ماه گذشته صادر شد، اما محتوای حکم رسما اعلام نشد، سعید مرتضوی هم به رسانه‌هایی که محتوای حکم را به نقل از برخی وکلا، رسانه‌ای کرده بودند، اعتراض کرد. «مجتبی نظری»، وکیل تأمین اجتماعی پیش از اعلام حکم مرتضوی به «شرق» گفته بود انتظار ما از حکم دادگاه شعبه ۱۰۵۷ کارکنان دولت در ماجرای شکایت سازمان تأمین اجتماعی از مرتضوی، «حبس واقعی و جریمه مالی» است. مجتبی نظری، وکیل سازمان تأمین اجتماعی که از قضا با شکایت سعید مرتضوی، چندی قبل پایش به دادگاه هم باز شده است، دیروز به ایسنا گفت: «در موعد قانونی، یعنی حدود چهار روز بعد از ابلاغ حکم، به آن اعتراض کردیم. طبق ماده ۱۰۴ قانون سازمان تأمین اجتماعی که هر برداشتی از وجوه این سازمان به منزله برداشت از وجوه دولت و در نتیجه اختلاس است و نیز طبق ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، موضوع پرونده، اختلاس محسوب می‌شود که این مسئله در دادگاه بدوی نادیده گرفته شده است».

پرونده سعید مرتضوی بر مبنای گزارش تحقیق‌وتفحص ۸۰ صفحه‌ای مجلس از سازمان تأمین اجتماعی تهیه شده و بازپرس بر مبنای آن و تحقیقاتی دوباره، قرار مجرمیت برای مرتضوی صادر کرده بود. دادستان هم با آن قرار، موافقت کرده و براساس آن، برای سعید مرتضوی کیفرخواست صادر شد، ولی پرونده در دادسرا دو بخش شد؛ بخش اول مربوط به تصدی غیرقانونی مرتضوی بر سازمان تأمین اجتماعی در پرونده‌ای جداگانه مرداد سال ۹۴ به شعبه نهم دادگاه کیفری یک، به ریاست قاضی کشکولی ارسال شد که در نهایت پس از برگزاری هفت جلسه، قاضی کشکولی، مرتضوی را به رد مال به مبلغ ۴۶ میلیون تومان و یک سال حبس که شش ماه آن تعلیقی است، محکوم کرد. ۴۶میلیون تومان، رد مال مربوط به حقوق دریافتی مرتضوی در زمان تصدی‌اش بر سازمان تأمین اجتماعی است که باید عودت بدهد؛ چراکه گفته شد این تصدی، غیرقانونی بوده و حقوق دریافتی هم تحصیل مال نامشروع تلقی می‌شود. همین بخش است که با اعتراض سازمان تأمین اجتماعی و متشاکی روبه‌رو شد و پرونده برای بررسی نهایی به دیوان‌عالی رفت و از آنجا به شعبه ۲۲ تجدیدنظر ارجاع شد.

اما بخش اصلی و مهم‌تر پرونده که به بخش دوم هم معروف شده است، به پرداخت‌های غیرمتعارف و از آن مهم‌تر مفاهمه شبهه‌آمیز فروش شرکت‌های زیرمجموعه سازمان به بابک زنجانی مربوط بود که در پرونده‌ای جداگانه به دادگاه رفت. اتهام «مرتضوی» به استناد کیفرخواست، تصرف غیرقانونی در اموال دولت (ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی) و موضوع آن رسیدگی به ماجراهای پرداخت‌های غیرقانونی او در قالب سکه و کارت هدیه به نمایندگان مجلس، محمدرضا رحیمی، معاون‌اول دولت احمدی‌نژاد و دیگر شخصیت‌های حقیقی و حقوقی و مهم‌تر از همه، ماجرای تفاهم‌نامه فروش شرکت‌های زیرمجموعه تأمین اجتماعی به بابک زنجانی اعلام شد.

«نظری»، وکیل سازمان تأمین اجتماعی، قبلا به «شرق» گفته بود در شکایت سازمان تأمین اجتماعی از مرتضوی، اتهام مدیرعامل سابق چیزی در حد اختلاس ذکر شده بود؛ اما در کیفرخواست صادرشده از سوی دادسرا، صرفا تصرف غیرقانونی در اموال به عنوان اتهام مطرح شده است. نظری گفته بود: «میزان اتهامی که در کیفرخواست آمده، ساده‌تر و کمتر از آن چیزی است که ما در شکوائیه مطرح کرده بودیم. براساس آنچه در کیفرخواست آمده، سعید مرتضوی براساس ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی، صرفا بابت سوءاستفاده یا برداشت غیرقانونی سرجمع به مبلغ یک‌میلیاردو ۳۷۳میلیون تومان متهم شده و بابت باقی اتهامات هم منع تعقیب خورده است. یکی از این مواردی که در گزارش تحقیق‌وتفحص مجلس آمده بود و عینا در شکایت سازمان تأمین اجتماعی هم وارد شد، استخدام بدون ضابطه و تشریفات قانونی ۵۰۰ نفر در این سازمان بود، اما به گفته وکیل تأمین اجتماعی، قاضی صادرکننده کیفرخواست این‌طور استدلال کرده که چون این افراد در مقابل حقوقی که می‌گیرند کار انجام می‌دهند، پس صرفا یک تخلف اداری صورت گرفته، ولی جرم واقع نشده و منع تعقیب خورده است». وکیل تأمین اجتماعی با اشاره به اینکه این ماده قانونی مربوط به موارد جزئی است مانند وقتی که کارمندی از اتومبیل شرکت استفاده شخصی کند، گفته بود: «در این موارد گفته می‌شود که فرد صرفا چیزی را تصرف کرده و قصد تملک نداشته است، این در حالی است که به اعتقاد ما، آنچه در این پرونده رخ داده، حکم اختلاس را دارد. اینکه فردی مبالغی به نمایندگان مجلس یا اشخاص رده‌بالای دولت در حد معاون رئیس‌جمهوری یا افراد دیگری پرداخت کند قطعا چیزی بیش از صرف اهمال یا تصرف غیرقانونی در اموال است».

رفتن دنبال آقای حداد، شناکردن خلاف مسیر رودخانه بود

ادامه از صفحه ۶

منظور از شاعرانه آقای حداد، مستبدانه من و متواضعانه را هم منظورشان آقای ابوترابی بود. من برخی مواقع جلسات را خیلی تند و سریع برگزار می‌کردم و نمایندگان از دست من دلخور می‌شدند ولی دل و احساس آنها این نوع مدیریت را می‌پسندید.

◄ در مجلس هشتم هم باز بر سر ریاست مجلس؛ رقابت بین آقای لاریجانی با آقای حداد در گرفت. آن زمان چرا شما وارد رقابت نشدید؟

نه، آنجا آقای حداد از من گلایه‌هایی کرد و گفت تو چه بدی‌ای از من دیدی که به سمت آقای لاریجانی رفتی. به نظر من، آقای حداد هیچ عیبی نداشتند. من به دو دلیل به سمت آقای لاریجانی رفتم؛ یکی اینکه احساس کردم ریاست آقای حداد شناکردن برخلاف جهت رودخانه است. مجلس‌هشتمی‌ها به طور طبیعی دنبال تغییر بودند.

◄ چرا؟ چون آقای لاریجانی با سابقه ریاست صداوسیما وارد مجلس شده بود؟ آیا به دلیل آن پشتوانه است که اتوماتیک فکر می‌کردید یا می‌کردند که او باید رئیس مجلس شود؟

ما در ساختار ایراداتی داریم که علت اصلی آن هم نداشتن حزب است؛ اگر دو، سه حزب قدرتمند داشته باشیم، این اشکالات پیش نمی‌آید.

◄ در ساختار و گفتمان اصلاح‌طلبی میل به تحزب بیشتر وجود دارد. اگر حزب بزرگی شکل نمی‌گیرد بیشتر عوامل بیرونی مؤثر هستند درحالی‌که در اصولگرایی برعکس است. به نظر می‌رسد این عدم تمایل درونی است.

ممکن است این‌طور باشد اما مشکل برای ما این بود که در هر سه مجلس هفتم، هشتم و نهم اکثریت ازآنِ اصولگراها بود اما در همین مجلس‌ها دوسوم افراد آن عوض می‌شدند. کسی که رقیب خود را کنار می‌گذارد و وارد مجلس می‌شود، دنبال تغییر است و خیلی سخت است به کسی رأی دهد که رقیب او در مجلس قبلی به این فرد رأی داده است.

مگر اینکه جریان، جریان دوطیفی باشد. امکان دارد سؤال شود آقای لاریجانی که مجلس نهم رئیس شد، مجلس دهم هم رئیس شد، برای اینکه آقای لاریجانی رقیب اصولگرا نداشت. بنابراین تغییر آقای حداد با آقای لاریجانی طبیعی بود.

◄ چه اتفاقی افتاد که آقای لاریجانی نامزد ریاست شدند؟

آقای لاریجانی در حد مدیریت کلان سابقه داشت. سوابق او خیلی بیشتر از من و آقای حداد بود. کاملا یک چهره حاکمیتی با ویژگی حکمرانی خوب را داشت. مشخصه‌ها و شناسه‌های کاری آقای لاریجانی بالا و قوی بود.

◄ البته شما پیش‌ازآن در انتخابات ریاست‌جمهوری هم رئیس ستاد آقای لاریجانی بودید؛ پس نزدیک‌شدن شما به ایشان و دورشدنتان از آقای حداد که در گزینه ریاست مجلس رقیب بودید، طبیعی بود؟

در انتخابات ریاست جمهوری بله، من رئیس ستاد ایشان بودم. اینها مناسباتی است که خیلی شاید بیرون متوجه نباشند؛ ولی پارامترهایی است که قطعا تاثیر می‌گذارد.

◄ خود شما از نحوه مدیریت آقای حدادعادل ناراضی بودید یا فکر می‌کنید که نمایندگان راضی نبودند یا اصلا لازم بود یک تغییر ایجاد شود؟

من احساس کردم که اگر دنبال آقای حداد برویم، شناکردن برخلاف مسیر رودخانه است.

◄ می‌توان گفت که شما در مجلس هفتم و هشتم یک نوع بدشانسی آوردید؛ یعنی ورود دو شخصیت مثل آقای حداد و لاریجانی باعث شد که پُستی که به صورت اتوماتیک زمانش رسیده بود دیگر به آقای باهنر برسد، به ایشان نرسد.

نه، این بدشانسی نیست. من اگر می‌خواستم در مجلس هفتم رئیس شوم، خیلی زحمت کمتری نسبت به ریاست آقای حداد داشتم و هیچ مانعی در بیرون وجود نداشت؛ اما ما می‌خواستیم مجلس با اختلاف شروع نشود. برخی من را متهم می‌کنند، می‌گویند باهنر می‌خواهد آدم دوم باشد؛ اما من تعهدم به کار تشکیلاتی بیش از این رفت‌وآمدهاست. من در مجلس هفتم و هشتم نایب‌رئیس بودم. در سال سوم مجلس هشتم یک هفته قبل از نایب‌رئیس‌شدن، یک جلسه فراکسیون تشکیل شد که من آن روز سه رأی از آقای صدر در جلسه فراکسیون کمتر کسب کردم و به محض اینکه انتخابات تمام شد، تعداد زیادی از دوستان ما شروع کردند به تماس‌گرفتن و گفتند که ما به حدی به رأی‌آوردن تو مطمئن بودیم که اصلا در جلسه فراکسیون شرکت نکردیم و فکر نمی‌کردیم که این‌گونه شود. تقریبا همه طیف‌های سیاسی به من نصیحت کردند و گفتند حالا در فراکسیون اشتباهی شده است، شما در جلسه علنی شرکت کنید، حتما رأی می‌آورید. من هم تردید نداشتم. آقای صدر هم که به‌اصطلاح رقیب من بود، تردید نداشتند. گفتند که اگر می‌خواهید کاندیدا شوید، من کنار می‌کشم. من گفتم کاندیدا نمی‌شوم. برخی فکر کردند که من قهر کرده‌ام. گفتم من به رأی فراکسیون سیاسی متعهد هستم؛ حتی اگر اشتباه کرده باشند و استدلالم این بود که من قرار است هشت سال نایب‌رئیس باشم، حالا هفت سال نایب‌رئیس می‌شوم. گفتم من متعهدماندن به تصمیمات تشکیلات برایم ارزشمندتر است تا اینکه قرار باشد یک سال دیگر نایب‌رئیس باشم. جالب است که طیف‌های مختلف مجلس هشتم به من توصیه می‌کردند که تو کاندیدا شو، رأی خواهی آورد؛ ازجمله آقای لاریجانی و آقای حداد. این اتفاق شاید در کشور نمونه نداشته باشد که متعهدماندن به تصمیمات تشکیلاتی را کسی در عمل نشان داده باشد.

◄ آیا آقای باهنر واقعا نفر دوم است یا اینکه سعی می‌کند به‌عمد این تصور را ایجاد کند؟ ما عملا نمی‌بینیم که جریان پیروان خط امام و رهبری که شما ریاست آن را بر عهده دارید، نقش و اثرگذاری خاصی در جریان اصولگرایی داشته باشد. نمونه آن هم گلایه‌های آقای سجادی، سخنگو، درباره سهم این جبهه از فهرست تهران است. بالاخره اگر این جبهه مدعی است که ۱۷ یا ۱۸ تشکل اصولگرا عضو آن هستند، نمود و بروز آن را کجا باید دید؟ آیا آقای باهنر و جریان او همیشه در جایگاه دوم قرار دارد یا اینکه شما پشت صحنه حضور دارید و این نمود هم نتیجه بازی‌گردانی شماست؟

شما طیف اصولگرایی را یک ستون آدم در نظر بگیرید، به طول صد متر. من می‌خواهم این ستون را مدیریت کنم. چهار نفر اول خیلی تند و رادیکال هستند و اگر به آنها بگویید کلاه بیاورند، سر می‌آورند. چهار نفر ته صف هم به حدی محافظه‌کار هستند که حاضر هستند در یک شب تاریک در گوش ما بگویند ما اصولگرا هستیم؛ ولی جایی نگویید. آن کسی که مدیر است، اگر مقداری تندمزاج باشد، سر و ته صف را قطع می‌کند و فقط وسط را نگه می‌دارد. ما می‌گوییم اگر این‌گونه رفتار کنیم، در اقلیت قرار می‌گیریم. ما نه‌تنها باید تمام ستون را حفظ کنیم که حتی باید به صف رقیب خود هم طمع داشته باشیم. مدیریت جریان مفصلی مانند اصولگرایی به این نرمی‌ها نیاز دارد.

◄ جریان پیروان خط امام توانسته است این تأثیر را داشته باشد؟

بله، ممکن است یک نفر مثل آقای سجادی صدایش دربیاید؛ اما ترکیبی که ما برای مجلس دهم پیشنهاد کردیم، به نسبت ترکیب مجلس نهم خیلی به نفع جبهه اصولگرایی بود. اگر کسی تصور کند همه باید برای طیف اصولگرایی باشند، می‌شود شش گروه، یعنی همان چیزی که اصلاح‌طلبان می‌خواهند. مدیریت این جریان نیاز به یک‌سری سعه صدر و نرم‌خویی دارد.

◄ از همین‌جا برسیم به انتخابات ۱۴۰۰. شما و خیلی از چهره‌های اصولگرا که احتمال می‌رفت سال آینده نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شوند، اعلام کرده‌اند که چنین قصدی ندارند. تحلیلی وجود دارد مبنی بر اینکه اصولگرایان چهره‌های اصلی خود را که شانس پیروزی دارند، برای انتخابات ۱۴۰۰ نگه داشته‌اند و نمی‌خواهند که آنها را در سال ۹۶ بسوزانند. آیا آقای باهنر می‌خواهد بالاخره به نفر اول جریان اصولگرایی و یکی از گزینه‌های انتخاباتی آنها در سال ۱۴۰۰ بدل شود؟

تا ببینیم چه چیزی پیش می‌آید. چند تا گزینه هم که نداریم.

◄ این یعنی می‌خواهید بیایید؟

ما را با رقبایمان درنیندازید.

نکته

آقای حداد از من گلایه‌هایی کرد و گفت تو چه بدی‌ای از من دیدی که به سمت آقای لاریجانی رفتی. به نظر من، آقای حداد هیچ عیبی نداشتند. من به دو دلیل به سمت آقای لاریجانی رفتم

ادامه از صفحه ۲

تحریم برجامی را برمی‌دارند، در پی تشدید تحریم حقوق بشری هستند

آملی‌لاریجانی افزود: بر اساس همین دیدگاه است که عربستان با ارتکاب این همه جنایت در یمن علیه زن و مرد و پیر و جوان و ارتکاب اعمالی که در عرف بین‌الملل، جنایت جنگی به شمار می‌آید از سوی غرب حمایت می‌شود؛ بنابراین باید گفت حقوق بشر امروز ابزاری برای فشار به کشورهای مستقل و حق‌طلب است.

آملی‌لاریجانی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به رفتار غرب با ایران در دوران پسابرجام اظهار کرد: آنها می‌خواهند با کم‌رنگ‌کردن تأثیرات برجام و به‌حداقل‌رساندن فواید آن برای ایران، جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند و به همین دلیل می‌بینیم که تحریم برجامی را برمی‌دارند و به جای آن در پی تشدید تحریم حقوق بشری هستند.

رئیس قوه قضائیه با بیان اینکه چنین رفتاری از قبل هم قابل‌پیش‌بینی بود، به اظهارات مقامات رسمی و تحلیلگران نزدیک به دولت آمریکا اشاره کرد و گفت: استراتژی درازمدت آمریکا این است که با واردآوردن فشار به بهانه مقابله با تروریسم و نقض حقوق بشر، تحریم‌ها را برگرداند.

آملی‌لاریجانی افزود: برخی از آنها پا را فراتر گذاشته‌اند و گفته‌اند برای مقابله با تهدیدهای جمهوری اسلامی باید از درون به ایران فشار وارد کنیم. بر همین مبنا تلاش آنها این است که با ایجاد تفرقه و حمایت از جریان‌های غرب‌گرا منفذی به داخل کشور بیابند؛ بنابراین همان نقشه‌هایی را که در دوران فتنه دنبال می‌کردند، امروز به نحو دیگری طرح می‌کنند.

رئیس قوه قضائیه با تأکید بر لزوم هوشیاری مردم و مسئولان در قبال تفرقه‌افکنی دشمن، تصریح کرد: ما باید با همدلی، هم‌زبانی و وحدت در کشور و به‌ویژه با عمل به توصیه‌های مقام معظم رهبری و راهبردها و سیاست‌های کلی که ایشان برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ترسیم می‌کنند در مقابل این نقشه شوم دشمن بایستیم.

آملی‌لاریجانی اعتماد به حمایت غربی‌ها را اشتباه دانست و با بیان اینکه آمریکا به خوبی چهره خود را در قضیه برجام نشان داد، ابراز امیدواری کرد که با بصیرت و توجه مردم و مسئولان، توطئه‌های دشمن به کلی خنثی شود.

تاجزاده:

اصلاح‌طلبان پخته‌تر شده‌اند

مصطفی تاجزاده، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در گفت‌وگویی که با روزنامه الکترونیکی «امید ایرانیان» انجام داده، درباره تغییرات جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا و نیز وضعیت انتخابات آینده ریاست‌جمهوری صحبت کرده است که اهم آن در پی می‌آید:

**اصلاح‌طلبان دهه ۹۰ نسبت به دهه ۸۰، قطعا تغییر کرده‌اند. اگر تغییر نمی‌کردند، جای سؤال داشت. بالاخره ما یک دهه بحرانی را پشت سر گذاشتیم و تجربیاتی جدید کسب کردیم. فقط امیدواریم این تغییرات مثبت بوده باشد.

**برخی تصور می‌کنند ما از برخی آرمان‌های اصلاح‌طلبانه پا پس کشیده‌ایم. حتی برخی معتقدند اصلاح‌طلبان کاملا سازش‌کار شده‌اند. من صحیح‌تر می‌دانم که بگویم پخته‌تر شده‌ایم؛ حتی اصولگرایان هم نسبت به گذشته پخته‌تر شده‌اند.

**حاکم‌شدن فضای امنیتی بر کشور بعد از سال ۸۸، الزاماتی را برای ما به وجود آورده است که قبلش وجود نداشت؛ یعنی برای اینکه ما از فضای امنیتی به فضای سیاسی بازگردیم، ناچار ملاحظاتی را در نظر گرفته‌ایم که پیش از آن در نظر نمی‌گرفتیم.

** با وجود این اگر اصلاحات را دموکراتیزاسیون تعریف کنیم؛ یعنی جوهره‌اش را جلب مشارکت هرچه بیشتر مردم در تمام عرصه‌ها بدانیم، تصور می‌کنم از این آرمان نه تنها عقب ننشسته‌ایم، بلکه امروز بسیاری از نیروهای اصولگرا هم به این گفتمان پیوسته‌اند؛ حتی اگر خودشان را اصلاح‌طلب نخوانند.

**ما جریانی شده‌ایم که یک پایمان در حکومت و یک پایمان در جامعه است. اتفاقا این قبیل جریان‌ها می‌توانند از آسیب‌های قدرت در امان باشند یا کمتر آسیب ببینند. از طرف دیگر، به دلیل دوری از قدرت، ذهنی نشوند.

** درحال‌حاضر، اصلاحات گفتمان غالب و هژمونیک در کشور است. امروز حتی مخالفان برجام هم پذیرفته‌اند ما باید به نام جامعه جهانی، برابر زیاده‌خواهی ترامپ بایستیم و نگذاریم کاخ سفید دنیا را علیه ما بسیج کند.

** همین که اصولگرایان هم‌اکنون همان چیزی را می‌گویند که اصلاح‌طلبان سال‌هاست می‌گویند، نشان‌دهنده گسترش تفکر اصلاح‌طلبی است. مثال دیگر آنکه چند سال پیش آقای حداد عادل می‌گفت ما حزب نمی‌خواهیم چون مسجد داریم؛ اما امروز می‌گویند تا سیاست‌ورزی در کشورمان حزبی نشود، دولت‌ها پاسخ‌گو نمی‌شوند.

** (پیشنهاد {رئیس دولت اصلاحات} مبنی‌بر تشکیل کمیسیون مشترک از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان برای حل مسائل مشترک مانند فساد) اگرچه ممکن است، (اما) اندکی زمان می‌برد. علتش این است که نه فقط اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، بلکه اکثر کسانی هم که درون حکومت نیستند، احساس می‌کنند جامعه ما با مشکلاتی مواجه شده که فقط با عزم ملی و همکاری همه گروه‌ها، حل‌شدنی هستند. به این معنی که حل آنها فراتر از توان یک حزب و جناح است. علت اینکه ما ائتلاف نسبتا باثباتی را با اعتدال‌گرایان شکل داده‌ایم و درصدد گسترش آن هستیم، این تحلیل است که به تنهایی نمی‌توانیم اکثریت قاطع مردم را بسیج کنیم و پاسخ‌گوی مشکلات جامعه باشیم. البته پیشنهاد ایشان نباید به این دو جناح منحصر شود، بلکه باید دیگر گروه‌ها را هم در بر گیرد و همه به سوی آشتی ملی حرکت کنیم.

** به نظرم دکتر روحانی هم ریزش نیرو و هم جذب و رویش نیرو داشته است. آقای روحانی نتوانسته است به بخشی از وعده‌هایی که داده، عمل کند و در نتیجه، گروهی از رأی‌دهندگان ناراضی هستند و دیگر به او رأی نمی‌دهند. در واقع فقط کسانی که رأی ایدئولوژیک داده‌اند، به آقای روحانی رأی نمی‌دهند. بر این مبنا، اکثر افرادی که به آقای جلیلی رأی داده‌اند، حتی اگر نامزد نشود، به آقای روحانی در این دوره رأی نمی‌دهند. ولی بخش عظیمی از کسانی که به آقای ولایتی و رضایی رأی داده‌اند، به آقای روحانی رأی خواهند داد.

** اتفاق جدیدی در حال رخ‌دادن است و اینکه جامعه ما با آمدن ترامپ باید به یک سوال استراتژیک جواب دهد؛ اینکه مقابل یک رئیس‌جمهور ماجراجو در آمریکا می‌خواهد نامزدی ماجراجو را رئیس‌جمهور ایران کند، یا قصد دارد برابر ترامپ یک فرد دوراندیش و صلح‌طلب را برگزیند. ایرانیان با رأی خود در انتخابات آتی به این پرسش استراتژیک پاسخ خواهند داد که می‌خواهند های ترامپ را با هوی احمدی‌نژادی جواب دهند یا اینکه تهدید ترامپ را با درایت خاتمی برطرف کنند و از آن فرصتی جدید بسازند؟

**حتی اگر تنها دستاورد دولت را برجام بخوانیم، به باور من باید باز هم به روحانی رأی داد.